

استقبال از آثار کمدی بدون کیفیت ساختاری و معنایی

سینما، صرفاً برای خنده!

خود از جیب مردم کیسه دوخته و در پی فتح گیشه برآمدند. آن‌ها برای رسیدن به سود بیشتر از یک سو هنر مستقل را ضعیف می‌کنند و از سوی دیگر فرهنگ بومی را به قهقرا می‌برند. این سینما، از توده‌های مخاطب خود انفعال، تسلیم، آمادگی برای پذیرش هر چیز و نوعی احساس رضایت از دستاوردهای بالفعل و بالقوه فردی را خواستار است و همسانی و همگونی با هنجارها و ارزش‌های غالب در آن به‌زور جانداخته می‌شود و از همه مهم‌تر به سرکوب عقلانیت، حساسیت و خودانگیختگی از طریق فعالیت کاذب می‌پردازد.

مشکل عمده و جدی مادر فیلم‌های حوزه طنز، سطحی بودن بیش از اندازه آن است. فیلم‌ها محصول تفکر نیستند. مشکلی که امروز در سینما داریم عبور فیلم‌ها و سناریوها از اندیشه و رسیدن آن به سطح ابتدال است. با آنکه ممکن است فضای شاد فیلم‌های کمدی کمک کند تا بیننده مثلاً برای لحظاتی از دغدغه‌ها و مشکلات خود فارغ شود، اما این نگاهی ساده‌انگارانه است، چرا که این فیلم‌ها در کلیت زاینده «صنعت فرهنگ» هستند و اولین قربانی‌ای که می‌گیرند تفکر و اندیشه مخاطب است. سینمایی که بر پایه کلیشه‌های

جنسی استوار است و موضوعی

را پیدا کرده تا با پر و بال دادن بیش از حد به آن مخاطب را با خود همراه سازد.

بهترین ژانر ممکن برای این هدف هستند. بنابراین باید این‌طور استنتاج کرد که سینمای کمدی و حتی تئاترهای کمدی مورد استقبال قرار می‌گیرند زیرا مردم را برای ساعاتی از سختی‌های روزگار و دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی دور می‌کنند. اما این گفته‌ها مجوز آن نیست که این وجه سرگرمی‌سازی هنر باید جلوی اندیشه را بگیرد، بلکه هنر به‌طور کلی زاینده درد و تفکر است. کمدی کار کرد تسکین درد را دارد و برای فراموشی و فرار از خستگی و پیچیدگی‌هایی که در روز آدم‌ها با آن مواجهند اتفاق می‌افتد، اما با دید انتقادی و معنایی در خور. برای مثال برخی فیلم‌های چارلی چاپلین در دوران سخت جنگ جهانی بروز و ظهور یافت و مورد استقبال قرار گرفت چون مردم به‌واسطه تلخی‌ها و رنج‌های ناشی از تجربه رنج در پی سینمایی بودند که بتواند از رنج آن‌ها بکاهد و امکان فراموشی موقت را برای آن‌ها فراهم کند اما استقبال مردم دلیل آن نشد که چاپلین معنا و دید انتقادی اثر را رها کند. سینما، هم به‌مثابه هنر، و هم به‌عنوان یک رسانه تابعی در متغیرهای اجتماعی است و سرشت او با سرنوشت بیرونی جامعه نسبت و پیوندی عمیق و معنادار دارد.

سینمای کمدی که در آغاز برای خنده و نوعی تأثیرگذاری عاطفی و تفکر لحظه‌ای شکل گرفت، به مرور نوعی بی‌قیدی و ابتدال در گفتار و رفتار را پدید آورد و چنین پدیده‌ای این روزها در کشور ما به اوج بی‌سامانی خود رسیده است، به‌طوری که در سال‌های اخیر عده‌ای پای خود را از دایره عرف

اخلاق چند هزار ساله ایرانی-اسلامی فراتر گذاشته و در این بازار مکاره پای معامله آمده و همه آبروی فرهنگی کشور را حراج گذاشته و برای جیب

مصطفی کزازی - گرایش به فیلم‌های کمدی را می‌توان در رفتارشناسی ایرانیان ردیابی کرد. طنز، مزاح، هجو و هزل در هنر نمایشی سنتی ایران و ادبیات فارسی سابقه طولانی دارند. حضور مقلدان و بدله‌گویی در تاریخ هنر ایران، موجبات خنده و سرگرمی مردم را فراهم می‌آورده است. دلک‌ها، مقلدان و سیاه‌بازان نیز در اوج هنر نمایی، بدله‌گویی و ایجاد خنده با طعنه و کنایه، نکاتی را یادآور می‌شدند که دیگران جسارت بیان آن را نداشتند. ادبیات رفتاری و محاوره‌های ایرانی، سرشار از طنز و شوخی است. کافی است سری به کامنت‌های مطالب پر بازدید بزنیم؛ ما ایرانی‌ها از دیرباز تبحر داشته‌ایم که از بدبختی خودمان هم ماجرای طنز بسازیم؛ با بدترین فجایع جهانی و داخلی جوک‌هایی می‌سازیم که در کسری از دقیقه به بیرون درز پیدا می‌کند. از یک سو، این رفتار ناشی از یک فرهنگ اختصاصی ایرانی به نام تعارف است که از شوخی و طنز برای دور زدن این فرهنگ استفاده می‌شود؛ از سوی دیگر، این طنز برای محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی‌ای باز می‌گردد که اجازه نمی‌دهد افراد به راحتی حرف‌های قلبی خود را بازگو کنند و با تزیین و کادو پیچ کردن نظرات خود در قالب طنز، آن‌ها را بیان می‌کنند. روزنامه صبا در این پرونده سعی کرده است تا به این پرسش که چرا فیلم‌های کمدی بدون کیفیت مناسب ساختاری و معنایی مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند؟ پاسخ بدهد.

برای پاسخ به این سؤال باید گرایش مخاطبان سینما به ژانر کمدی را به‌عنوان یک رفتار و کنش اجتماعی تعریف کنیم. بدون شک عوامل فرامتنی سینما از جمله فرهنگ، نظام اجتماعی، طبقه، نژاد، جنسیت و بسیاری از عوامل اجتماعی دیگر در شکل‌گیری رفتار مخاطبان و انتخاب‌های آن‌ها در تماشای فیلم مؤثر است. اینکه چرا در یکی دو دهه اخیر با وجود پیران مخاطب در سینمای ایران، فیلم‌های کمدی از گیشه نسبتاً پررونقی برخوردار بوده، صرفاً به ساختار سینمایی و کیفی این فیلم‌ها بر نمی‌گردد و نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی را نیز باید در تحلیل این گرایش لحاظ کرد.

سینما این هنر-صنعت-رسانه، بیش از دیگر گونه‌های هنری با توده مردم ارتباط برقرار کرده و لایه‌های گسترده‌تری از مخاطبان را جذب خود می‌کند. همین پررنگ بودن وجوه عامه و توده‌گرایی سینما، گاهی فیلم و متن هنری را تحت تأثیر زمینه و حاشیه متن قرار می‌دهد. در واقع تاریخ سینما، فقط تاریخ فیلم‌ها و فیلم‌سازان محسوب نمی‌شود، بلکه تاریخ معنایی است که بینندگان طی زمان‌های مختلف به فیلم نسبت داده‌اند. نحوه مواجهه مخاطبان با یک فیلم و حاشیه‌های قدرتمند فرامتنی و پس‌زمینه‌های اجتماعی-سیاسی و هر چه در جامعه‌شناسی سینما به‌عنوان عوامل مؤثر اجتماعی در طرح و پذیرش و پردازش یک فیلم شناخته می‌شود به درک ما از فیلم و هر ابژه هنری آن کمک می‌کند؛ اما سؤال اینجاست که چرا در حالی که مثلاً در سینمای عامه‌پسند آمریکا، فیلم‌های علمی-تخیلی مورد توجه است، این میان و از بین ژانرهای مختلف فیلم‌های کمدی بیشتر مورد اقبال مردم قرار می‌گیرد؟

عوامل فرامتنی مثل شرایط اقتصادی و اجتماعی، برخی از کارکردهای سینما را نسبت به کارکردهای دیگر آن برجسته می‌کند. بر این اساس در شرایط نابسامان اقتصادی، سوبه سرگرمی و تفریح‌گونه سینما برجسته‌تر می‌شود و مخاطب، سینما را مفری برای رهایی از مناسبات زندگی می‌داند نه محفلی برای فهم و کشف رمز و رازهای آن. در واقع سینما هم برای به یاد آوردن است هم فراموش کردن و اینکه کدام یک از این دو ویژگی تحقق و جلوه عمومی بیابد به شرایط اجتماعی جامعه برمی‌گردد.

در جامعه‌ای که زندگی تجربه دشواری است، سینما به ابزاری برای فراموش کردن این دشواری‌ها بدل می‌شود و بالطبع فیلم‌های کمدی

